بيانات در ديدار با وزير و مسؤولان وزارت كشور و استانداران - 1 /بهمن/ 1368

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم
آقايان! خيلي خوش آمديد. ان‌شاءالله هميشه مورد حمايت و كمك الهي باشيد. من هم، همين فرمايشهاي جناب آقاي نوري را تصديق مي‌كنم كه استانداري كار سختي است و انتظارات از استاندار زياد است. چون خودم به غالب استانها سفر كرده‌ام و بعضي از شما برادران را در محل كارتان زيارت كرده‌ام و كارتان را از نزديك مشاهده نموده‌ام. بعضي هم كه تازه تشريف آورديد و مشغول كار شديد، غالبا محل مأموريتتان را از نزديك ديده‌ام. با مسايل كشور آشنا هستم و مي‌دانم كه چه‌قدر اين كار، كار سخت و ظريفي است و به عقل و دين و سليقه احتياج دارد.
استاندار خوب ـ كه شما باشيد ـ كسي است كه عاقل و متدين و خوش سليقه و داراي ظرافت در كار مديريت باشد. استانداري، از آن مديريتهاي يك بعدي نيست. شما فرضا مي‌توانستيد مدير كل وزارت اقتصاد يا وزارت كار يا وزارت صنايع در يك استان و يا ساير وزارتخانه‌ها باشيد. همه‌ي آنها، كارهاي يك بعدي است. اگر چه الان هر كار اجتماعي، ذوابعاد است; اما نسبت به كار شما، يك جانبه مي‌باشد. كار شما در درجه‌ي اول، يك كار انساني و سياسي است و اين چيزي است كه حقا و انصافا، ظرافت فراوان و عقل وافر و دين خالصي را مي‌طلبد.
البته، توقعمان از وزارت كشور اين است كه اين شرايط در او وافر باشد و تصور من اين است كه بحمدالله اين چنين مي‌باشد. يعني واقعا وقتي من الان به مجموعه‌يي كه تا حالا شناخته‌ايم و جلوي چشم هستند و خود جناب آقاي نوري و بعضي از برادران ديگر را كه مي‌شناسيم، نگاه مي‌كنيم، انصافا خيلي خوب كار كرده‌اند و اصلا جاي ايراد و اعتراضي نيست. در عين حال، وزارت كشور، وزارت مادر است و ما هيچ دستگاه اداري دولتي ديگري به جامعيت وزارت كشور نداريم.
شما كه در آن استان تشريف داريد، رئيس جمهور و وزير و مظهر نظاميد. اگر نظام همگاني است، شما نيز بايد همگاني باشيد. اگر نظام، نظام مستضعفان است، بايستي اين موضوع، خودش را در عمل و بيان و رفتار شما نشان بدهد. اگر نظام، نظام پرهيزگر از تجملات و زياديهاست، بايد اين ويژگي در زندگي شما مشخص شده باشد. شما آن نماي نظام در استان هستيد; بسته به اين است كه استان از لحاظ وسعت و كميت آدمها و رفت‌وآمدكننده‌ها و كيفيت انسانهاي آن‌جا، چگونه استاني باشد. بحمدالله همه‌ي استانهاي كشور ما، از لحاظ معنوي و كيفي در سطح بالا قرار دارند و داراي سطح مماسي با آن اوج هستند; ولو در همه‌ي استان اين گونه نباشد. كيفيت در كشور ما، اين طوري توزيع شده است. به دورترين نقاط كشور هم كه نگاه كنيد، بحمدالله انسانهاي با كيفيتي پيدا مي‌شوند. نمي‌شود گفت كه همه‌ي كيفيت‌دارها، در يك استان خاص و يا در تهران و يا در شهرهاي بزرگ متمركز شده است. بنابراين، مسأله‌ي اول اين است كه استاندار بايد آن ذهنيتي را كه از انقلاب و نظام جمهوري اسلامي و اسلام، در ذهن مردم و ذهن خود من و شما ـ كه مسؤولان نظام هستيم ـ وجود دارد، در عمل و رفتار و كردار و محل معيشت و نوع معيشت و برخورد و جانبداريها و موضعگيريهاي خودش نشان بدهد. قطعا اگر استاندار نتواند در شهري، دل عامه و متن مردم را به دست آورد، نظام در آن استان نمي‌تواند حضور پيدا كند. البته، ممكن است بعضي بگويند: اگر استاندار نتواند چنين كند، مردم با اين استاندار بد مي‌شوند; ولي از نظام بر نمي‌گردند يا مقامات بالا را دوست دارند. بله، در كوتاه مدت همين است; اما در بلند مدت اصلا اين طور نيست. آن جايي كه پاي تجزيه و تحليل به ميان آيد و فرصت تجزيه و تحليل براي استاندار باشد، ديگر استاندار مظهر نظام است و كيفيت كار او، ارايه كننده‌ي كيفيت كار نظام مي‌باشد.
نكته‌ي ديگري كه من هميشه خدمت آقايان و استاندارهايي كه طي هشت سال گذشته پيش من مي‌آمدند تا به مركز مأموريت خود بروند و يا در خلال كارها با هم ملاقاتي داشتيم و به آنها تذكر داده‌ام و حالا هم براي شما مطرح مي‌كنم ـ هر چند در بين شما كساني هستند كه حق را ادا كنند ـ اين است كه استاندار در يك استان، نقش پدر را دارد. البته، بعضي از شما خيلي جوانيد و به ظاهرتان نمي‌آيد كه مثلا پدر فلان پيرمرد عالم باشيد; اما واقع

قضيه اين است كه شما پدريد. استاندار بايستي پدرانه رفتار كند و بخصوص با جناحها و قشرهاي مختلف، با يك نگاه برخورد نمايد. يقينا همه با شما يكسان برخورد نخواهند كرد. اين مسلم است كه روي سوابق ذهني و مثلا جهالتها و سختگيريهايي كه بعضيها دارند، در موافقت و يا مخالفت تندي كنند; اما از طرف شما قضيه بايستي اين گونه باشد; همچنان كه پدري با فرزندان خود اين‌طور رفتار مي‌كند.
يك وقت درباره‌ي قضيه‌يي، خدمت امام (ره) مطلبي را عرض كردم ـ حالا تفصيل آن قضيه طولاني است ـ به ايشان عرض كردم كه اين تصميمي كه شما گرفته‌ايد، واقعا يك لطف الهي و كار خدا بود كه شما به اين فكر بيفتيد. بعد از آن، حادثه‌يي اتفاق افتاده بود كه اگر ايشان آن تصميم را نمي‌گرفتند، براي ما خيلي مشكلات و دردسر درست مي‌كرد. ايشان در پاسخ به من، مطلبي را فرمودند كه در دفترم يادداشت كردم. ايشان گفتند: از اول انقلاب تا كنون، گويا در همه‌ي قضايا، دستي پشت سر اين انقلاب، آن را ياري داده است. امام (ره) اين‌گونه قضاوت مي‌كردند. نوع كمك الهي مختلف است. يك وقت است كه آدم مي‌گويد خدا پشت سر ماست و به ما كمك مي‌كند; اما اين گونه و با اين صراحت، ذهن بالاي اين مرد حكيم و هوشمند، همه‌ي دقايق ارتباطات را مي‌ديد. اين گونه نبود كه امام (ره) چيزي را حمل بر تصادف بكند و بگويد حالا اين طوري پيش آمد. نه، آدم دقيق و ظريفي بود كه همه‌ي جزييات اين ارتباطات و مسايل را مي‌ديد و بالاتر از اين كه مشاهده كند، پيش‌بيني مي‌كرد.
حقيقت مطلب اين است كه من هم در طول اين ده سال، در حد ادراك و دخالت خودم در قضايا و نيز در طول اين چند ماه بعد از رحلت حضرت امام (ره)، اين معنا را بيشتر احساس كرده‌ام. اين، تا وقتي است كه رابطه‌ي خودمان با خدا و نحوه‌ي ايمان و عمل خويش را حساب شده و دقيق تنظيم كنيم و در درجه‌ي اول، برايمان انجام تكليف مهم باشد. شما آقايان، هر اقدامي كه مي‌خواهيد انجام بدهيد و هر حرفي كه مي‌خواهيد بزنيد و هر انتصابي كه مي‌خواهيد بكنيد، تكليف را در نظر داشته باشيد.
در شهرها،جناح بنديهاي فراواني است كه همه‌اش هم سياسي نيست. من يك‌وقت به يكي از استانها رفته بودم، بعد كه به تهران برگشتم، آنچه را كه در آن استان ديده بودم، براي دوستان جلسه‌ي رؤساي سه قوه توضيح دادم. گفتم: در آن‌جا، خط و جناح بنديهاي سياسي، اصلا بكلي عوض شده و يك طور ديگر است. اگر ما در تهران خط سياسي مي‌بينيم و هر خط از اين دو سه خطي كه هستند، مشخصه و علامتي دارد و اگر اين خصوصيت، متعلق به آن خط است و آن خصوصيت، متعلق به اين خط مي‌باشد و اين آدم، وابسته به آن خط است و آن آدم، وابسته به اين خط مي‌باشد; به آن استان كه رفتيم، ديديم همه‌ي اين حسابها به هم ريخته است و هر كسي كه داراي فلان خصوصيت است و قاعدتا بايد متعلق به اين خط باشد، بعد مي‌ديديم كه متعلق به آن خط ديگر است. معلوم شد كه در آن‌جا همه‌ي مسأله، مسأله‌ي گرايش سياسي و فكري و اقتصادي و امثال اينها نيست; بلكه مسايل محلي و آخوندي و كسبي و عشيره‌يي هم دخالت دارد. همه‌ي اينها دخالت مي‌كند و يك جناح‌بندي درست مي‌نمايد. در آن‌جا، خطوط سياسي هم قويند و جنجال و سر و صدا دارند و وارد ميدان مي‌شود و هر خطي، چيزي را زير چتر خودش نگه مي‌دارد و مي‌برد; در حالي كه در واقع، ماهيت قضيه خيلي سياسي نيست.
من مي‌خواهم بگويم كه هر چه مي‌توانيد، كوشش كنيد اين فاصله‌ها و اختلافها را كم كنيد و از بين ببريد. به نظر من، استاندار عاقل متدين خوش سليقه، كار زيادي هم مي‌تواند بكند. اين موارد را برطرف بكنيد. بعضي از شما آقايان، بحمدالله طلبه هستيد و بعضي هم از بس در كارهاي روحانيون و علما و ارتباطات بوديد، مثل طلبه‌ها شده‌ايد و آن شم روحاني و طلبگي را پيدا كرده‌ايد. گاهي ممكن است حتي بين بعضي از آقايان اهل علم، اختلاف نظرهايي باشد. كوشش كنيد كه اينها را به هم نزديك كنيد. در بعضي جاها، جريانهاي موازي وجود دارد. ما در بعضي از شهرها، اين جريانها را ديديم. مثلا فرض كنيد كه در اصناف و روحانيون و دانشگاهيها، دو جريان است. هر چه مي‌توانيد اينها را وادار كنيد كه به هم نزديك شوند. جلسه‌ي مشترك بگذاريد و به هم انسشان بدهيد. غرض، همه‌ي ما و شما و جناب آقاي نوري و دولت، براي وصل و تلاش و كار آمده‌ايم. خداوند ان‌شاءالله كمك كند تا بتوانيم وظايف خود را انجام بدهيم.
ضمنا در اين شهرها، گرفتاريهاي مردم خيلي زياد است. در اين نقاط دور دست ـ مخصوصا بعضي از استانها مثل

سيستان و بلوچستان و هرمزگان و ساير استانهاي مشابه ـ واقعا مشكلات غير قابل تصور است. من به بعضي از استانها كه مي‌رفتم، برخي از آقايان مي‌گفتند كه مثلا آب و آذوقه و اشتغال در استان ما، حتي از سيستان و بلوچستان هم بدتر است. اين قضاوت ناشي از آن است كه اين برادر، آن استان بد را ندیده است و اطلاع درستي از آن ندارد. آدمي كه همه‌ي اين استانها را ديده باشد، اذعان خواهد كرد كه انصافا وضع بعضي از استانها، خيلي بدتر و سخت‌تر و توأم با فشار بيشتري است. با حركت در سطح استان، با نزديك شدن به مردم، با نشستن در محيط زندگي خصوصي و خانه و كپر و چادرشان، نسبت به مشكلات مردم آشنا بشويد و آنها را لمس كنيد. هر كس كه اين مشكلات را لمس بكند، براي كار و تلاش، انگيزه‌يي تمام نشدني پيدا خواهد كرد.

خداوند ان‌شاءالله شما را موفق بدارد. ما هم دعا مي‌كنيم كه همه‌ي برادران عزيزي كه در دولت خدمت مي‌كنند ـ از جمله شما برادران وابسته به وزارت كشور و بقيه‌ي برادراني كه در اين زمينه هستند ـ ان‌شاءالله مشمول توفيقات و كمك الهي باشند. ان‌شاءالله همه با هم بتوانيم جامعه و كشوري بسازيم كه حقيقتا الگو باشد و در آن، مشكلات مردم بر طرف بشود.

والسلام عليكم و رحمه‌الله و بركاته